

از آذانتا تا ((ازندریان))

مروری بر تاریخچه شهر آذندریان

تدوین : محمدرضا شاهسون

سرشناسه: شاهسوند، محمدرضا، ۱۳۴۸-

عنوان و نام پدیدآور: از آزانقا تا ازندریان / محمدرضا شاهسوند.

مشخصات نشر: ملایر، کبریا، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهري: ۱۰۹ص.

شابك: ۹۷۸-۶۰۰-۵۶۸۱-۲۰-۸

موضوع: ازندریان

رده بندي کنگره: ۴ الف ۲ ش / DSR / ۲۰۷۳

رده بندي ديويي: ۹۵۵ / ۴۳۴

نشر کبریا

نام کتاب: از آزانقا تا ازندریان

مؤلف: محمدرضا شاهسوند

ناشر: کبریا

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۱

تیراژ: ۲۰۰۰

قیمت: ۴۵۰۰ تومان

چاپخانه: معراج

شابك: ۹۷۸-۶۰۰-۵۶۸۱-۲۰-۸

آدرس پخش: ملایر، نشر کبریا تلفن: ۲۲۱۱۱۴۵ — ۰۸۵۱-۲۲۵۵۶۰۷

فهرست

صفحه	عنوان
۱	۱- مقدمه
۳	۲- گذر بر تاریخ
۶	۳- معرفی اجمالی شهر ازندریان
۹	۴- نام ازندریان
۱۳	۵- آثار تاریخی
۱۴	۶- آذانتا
۱۹	۷- ازناو ناریان
۲۲	۸- هزارناریان
۲۳	۹- تپه کنگرلیک
۲۴	۱۰- حمام چوبین
۳۰	۱۱- اسلام در ازندریان
۳۱	۱۲- همسایه های قدیم ازندریان
۳۲	۱۳- حمله مغول
۳۴	۱۴- صفویان
۳۴	۱۵- زندیان
۳۷	۱۶- نهر مومن خان
۴۳	۱۷- تغییر نام ازناو ناریان به ازندریان

۴۴	۱۸- کشاورزی
۴۵	۱۹- شخصیتها
۵۴	۲۰- راهها
۵۵	۲۱- خاطرات
۹۳	۲۲- از ندربان کنونی
۱۰۶	۲۳- منابع و مواخذ

از آزارتا تا ازندریان (مروری بر تاریخچه ازندریان)

طرییم سینه شه گرچه در آغوش غم بسکه خوش است ناریان گویی به شهر جی ایم

مقدمه

دیر هنگامی است ، افرادی علاقه مند گردیده اند تا از گذشته زاد و بوم خود اطلاعاتی کسب نمایند ولی به دلیل نبود نوشته و اسناد مناسب به خوبی نتوانسته اند برای پرسش های خود ، پاسخ مناسب دریافت و از حقیقت رویدادها آگاه شوند. این موضوع مرا بر آن داشت تا با سعی و تلاش و کنجکاری و پرس و جواز بزرگان دست به کاری زده که شاید ، در نوع خود تازگی داشته باشد و امیدوارم بتوانم ، در حد توان ، قسمتهایی از گفته های نانوشته ازندریان کهن را آشکار سازم . آنچه در این مقوله می خوانید ، مطلب ساده و عامیانه ای است و سعی گردیده تا گذشته ازندریان ، خصوصا ۱۰۰ سال اخیر ، با نگاه و زبانی ساده برای فرهنگ دوستان و علاقه مندان به تاریخ به شیوه ای مردم پسند نوشته شود ، تا پل ارتباطی باشد ، بین نسل گذشته و آینده . قسمت اعظم ، از این نوشته را از کهنسالان شنیده و یا در طول ۴۰ سال عمر خود به یاد دارم و سعی گردیده ، گفته ها هستند و معقول باشد . اگر کتبه کسی از بزرگان ذکر شده ، قصدم این بوده تا یادی از آنها باقی بماند . هر چند می دانم با صفحات اندک نمی توان حق ازندریان با شکوه را ادا کرد ، چرا که ازندریان شهری است که مردم شیفته آنند و بی اندازه به آن عشق می ورزند . مردم شریف ازندریان به جدیت و سخت کوشی معروفند . آنها به

سبب پرکاری خود توانسته اند در راه سازندگی شهر گامهای بلندی برداشته و در منطقه نسبت به بقیه جاه ها متمکن تر گردند .

مطالب این نوشتار چون از منابع مختلف جمع آوری و تدوین شده، ممکن است در قسمتهایی به صورت مختلف تکرار گردد که آن دلیل بر پرگویی و حاشیه پردازی نیست و موضوع آن یکی است و همچنین لازم است اشاره شود که نوشتن برخی مطالب را به صلاح ندانسته ولی به صورت کلی به آنها اشاره گردیده. چرا که جزء راست نباید گفت ، هر راست نشاید گفت . این مطالب به سفارش و دستور هیچ شخص، گروه یا سازمانی جمع آوری نگردیده و در انتخاب و نوشتن آنها آزاد بودم. هر گونه برداشت از این مطالب با ید با هماهنگی و رضایت گرد آورنده باشد .

محمد رضا شاهسونند

ازندریان - بهار ۱۳۹۰

گذر بر تاریخ

برای آماده نمودن ذهن خوانندگان گرامی، ناچارم به تاریخ گریزی زده و شمه ای خیلی کوتاه و به اجمال اشاره نمایم. در این خصوص مطالبی ذکر می شود که بیشتر به منطقه همدان مربوط و با این گفتار سنخیت دارد.

بر اساس آنچه در تاریخ آمده، ماده ها در آذربایجان جنوبی حدود کردستان، لرستان، ری و اصفهان زندگی می کردند. کورش در سال ۵۵۰ قبل از میلاد همدان را فتح کرد، مادها و پارسها تقریباً یک دولت بودند و اهورا مزدا را می پرستیدند. کورش به قدری مهربان و دوستدار یاران و غمخوار مردم بود که یهودیان او را مسیح موعود و مردم پدرش می خواندند. پس از کورش کمبوجیه و داریوش به قدرت رسیدند. داریوش ایران را بکارچه کرد و دستور داد در بیستون کتیبه هایی به زبان عیلامی، بابلی و آریایی مطالبی نوشته تا مردم از کارهایش آگاه شوند. داریوش مرکز کشور را از همدان به شوش انتقال داد و بابل را پایتخت زمستانی و همدان را پایتخت تابستانی قرار داد.

پس از داریوش، خشایارشا، نوه دختری کورش و بعد اردشیر اول و داریوش دوم و اردشیر دوم و سوم و ارس و بالاخره این سلسله به دست اسکندر مقدونی منقرض شد.

زردشت در حدود ۶۶۰ قبل از میلاد به دنیا آمد. در ۲۰ سالگی عزلت گزید و در ۶۳ سالگی دعوت خود را آشکار نمود. در ۶۱۸ قبل از میلاد کشتاسب را پیرو آئین خود ساخت و در سال ۵۸۳ قبل از میلاد در هفتاد و هفت سالگی در هنگام حمله ارجاسب تورانی در آتشکده بلخ کشته شد. او بحق نخستین مصلحی است که به تبلیغ توحید و عظمت خداوندی پرداخته است.